هشدار، این قسمت شامل صحنه‌های خشونت‌آمیزی است که ممکن است برای بعضی از خوانندگان ناراحت‌کننده باشد.

مرکز شهرِ سین-سی

می‌دونین به چی نیاز داریم؟ یه اسم باحال برای تیم‌مون!

* تدارکات شکار

درباره اون، داشتم فکر می‌کردم ...!

نه... لطفا نگو...

واقعا به مهارت‌های اسم گذاریت شک دارم.

نظرتون درمورد «شکارچیان ببری سین-سی» چیه؟

قطعا نه. مگه ما تیم بیسبالیم؟

پس... «شکارچی و شکارچی» چطور، از اونجایی که هممون شکارچی بومیم؟

نظرم نیست...

چه خبره؟

داشتیم می‌گفتیم خوب میشه اگه یه اسم تیمی داشته باشیم.

نظری نداری، زها؟

«تابانه» چطوره، بخاطر اینکه هممون توی زندگی قبلیه اون بودیم؟

همین که هوپو این اسم رو بشنوه میاد سروقتمون...

بچه‌های عزیز، نظرتون در مورد چاکهو کاپسا چیه...؟

چاکهو چی چی؟

اون قدیما، مردم به شکارچیان بوم می‌گفتن چاکهو کاپسا.

چاکهو...

یعنی شکارِ بوم... راستش، بد نیست.

* پوزخند

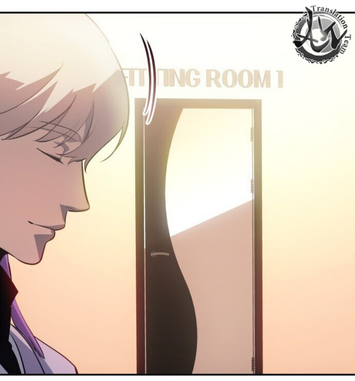

ما چاکهو
هستیم...

...و بوم شکار
می‌کنیم.

7 سرنوشت

چاکهو

الهام از شخصیت‌های
تکزوه بی‌بی‌اس

قسمت ۲۹

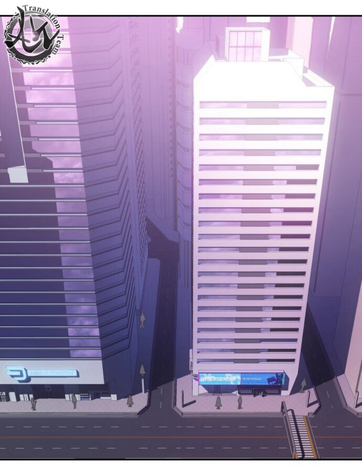

نگاش کنید داره در میره.

آخ... لعنتی! فکر نکنم بتونم کمشون کنم.

یعنی تمومه...؟

هی، همتون! ادامه بدید و از اینجا برید بیرون!

پس تو چی؟!

* برگشتن

* تلق - تلوق

اووه، ببینم می‌خوای بجنگی؟

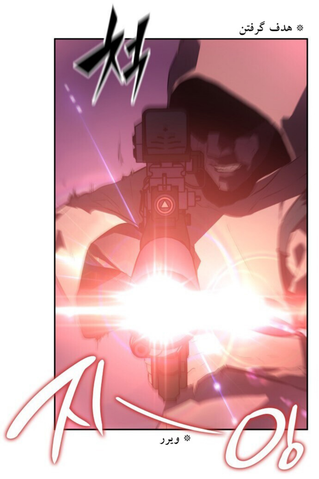
هدف گرفتن
ویزر

بووم
پریدن – تپ

بووم
سر خوردن (٤)

گندش بزنن...
از اینکه بدنم حتی نمی‌تونه
این سلاح مسخره رو
تحمل کنه متنفرم.

آی، کمرم...

* لرزیدن

آ-آقا...

او-اون دیگه
چی بود؟!

* شوک

* ووشش

* قدم

اون سلاح رو با خودمون می‌بریم.

مقاومت کن، و اون وقت مرگ دردناکی در انتظارته.

هاه؟

!!

شک...

شک--

* بریدن

* شلوپ

* پنگ (۲)

اونا همون شکارچی‌هایی نیستن که بهشون میگن پروانه‌های ببری یا یه همچین چیزی؟

저벅
저벅
ما تیم چاکهوایم.

چاکهو...! ممنون که نجاتمون دادین.
اگه این سلاح‌ها رو به دست میاوردن، شین-سی توی خطر جدی‌ای میوفتاد.

منظورت اینه که همه اون چیزای توی کیفت سلاحند...؟
امکان نداره!! ببینم تو پایوری، تاجر سلاحی؟!
هم؟ تو من رو می‌شناسی؟

درباره تاجری شنیدم که هزارتا سلاح می‌فروشه، همشون هم توی کوله پشتیِ بزرگشن.

اون موقع توی دنیای من، همه تو رو می‌شناختن.

می‌گفتن که تو بیشتر سلاح‌های شکارِ موجود توی بازار رو دَرست کردی.

هه‌هه‌هه... مطمئناً همه جور چیزی می‌فروشم.

شماها خودتون هم سلاح‌های خیلی خوب... ...

هیی!!

شمشیر مرگ...؟!!

آهههه!

آخ!!

از من دور شو!

مشکل چیه؟

تابائه...!

چی؟

هی، تو خوبی...؟

ببینم تو الان گفتی تابائه؟

می‌شناسیش؟

معلومه.

لرزیدن (۵)

اون یه هیولای خون‌سرد و بی‌رحمه که بعد از جنگ با بوم هر قبیله‌ای بجز گام رو از شین-سی بیرون انداخت.

خدایا، به این بچه‌ها از قبیله گام دارم چی میگم...

منظورت چیه؟

فکر می‌کردم تابائه قهرمانی بود که از طرف همه در برابر بوم جنگید...!

جوری حرف نزن که انگار همه چیز رو میدونی!!

مردی که طرد شده بود درست همینجا وایستاده!

آقا...؟

من از قبیله‌ی دودوری‌ام، که از زمان‌های قدیم زندگی می‌کرده.

هیولا؟!

من مدرک زنده ام.

قبیله دودوری؟!

قبیله دودوری خارج از منطقه شین-سی نمی‌تونه زندگی کنه...!

چطور زنده-موندی اگه تابائه تبعیدت کرده؟

نکنه مثل کاری که بوم کرد دنیایی از سایه‌ها ساختی؟

اوه

نمی‌تونم این رو بهت بگم...

مسئله شخصی نیست. هرچی نباشه، شما جونم رو نجات دادید.

اما من کاری انجام نمیدم که قبیله‌ام رو توی خطر بندازه.

بیپ (٤)

زیادی اینجا موندم... باید برم برای بستن یه معامله دیگه.

اگه به سلاحی نیاز داشتید، خبرم کنید.
پس واقعا یه قبیله دیگه بوده.
آره، ظاهرا...

تا به یه هیولای بی‌رحم بود که همه رو بیرون کرد...؟
پس زندگی قبلی‌ای که دیدم رو چطور توجیه می‌کنی؟!

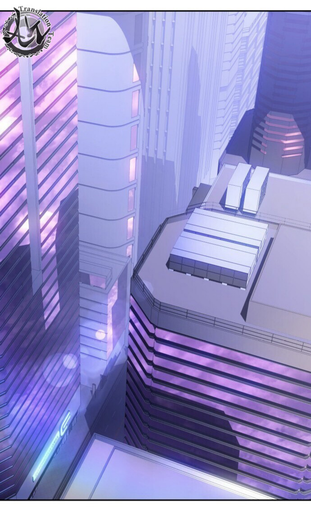

کارخونه‌ای
متروکه
در منطقه ٦

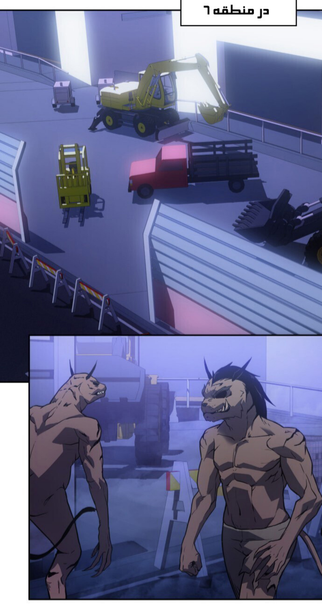

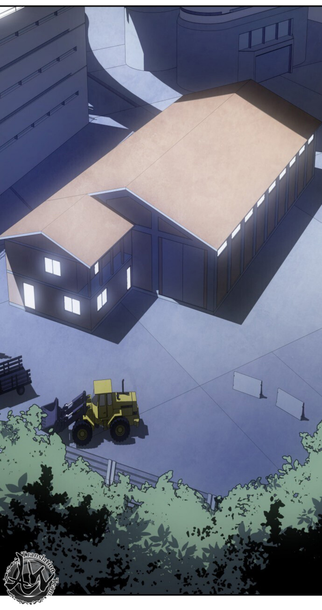

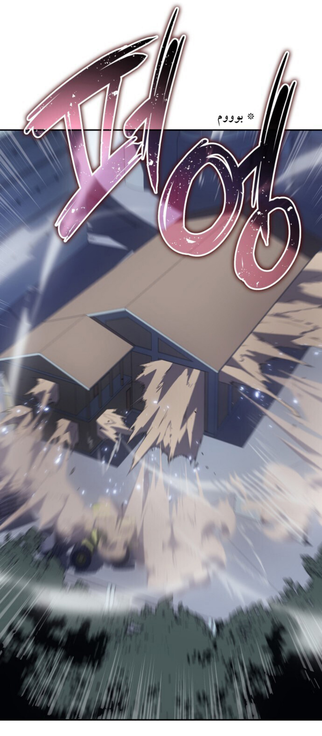

* فرو ریختن...
* قدم

سرفه سرفه
ایش، گرد و خاک.
هارا، جلوی ارباب وایستادی.
باشه، خیلی خب.

ارباب،
دوباره، درباره تابائه خواب دیدید؟
فکر نمی‌کنید این چند وقت اخیر یکم زیادی به خودتون فشار آورید، قربان؟

من خوبم.

این رویای مسخره به محض اینکه کنترل سین-سی رو پس بگیرم از بین میره.

من هنوزم متوجه نمیشم...

اون قبلا یه بار با شما اعلام صلح کرد... پس چرا به قبیله بوم پشت کرد؟

اگه بخاطر اون حادثه نبود، با بقیه قبیله‌ها توی صلح می‌مون- ...

* خورد شدن

بیشتر از ۴۰۰۰ سال طول کشید که برای انتقام به این سرزمین برگردیم.

برادران و خواهران ما هنوز دارن سال‌های درازی رو زندانی در دنیای سایه‌ها سپری می‌کنن.

چطور می‌تونیم اون همه رنجشون رو فراموش کنیم؟

انتقام بی‌نقص...

...وظیفه ماست...

...و دلیل بزرگمون.

BTS
سگا ساکرمی
خدا حافظ
#زن_زندگی_آزادی

به ما
بپیوندید
تا شادی
را برای
دیگران
به یادگار
بگذارید!!
ANCHOR
دنیای انیمه و مانگا